

ماهنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی^۱

سال سیزدهم - شماره دوازدهم - اسفند ۱۳۹۹ - شماره پیاپی ۵۸

بررسی مایگان و شگردهای زبانی و بلاغی "حرف اضافه" رضا رفیع

(ص ۲۰۲-۱۸۳)

بتول مهدوی^۲، مهشید روحی جویباری^۳

تاریخ دریافت مقاله: خرداد ۹۹ تاریخ پذیرش قطعی مقاله: مرداد ۹۹

چکیده

طنز یکی از ژانرهای ادبی مهم محسوب میشود، که در طول تاریخ ادبیات این سرزمین، بویژه پس از نهضت مشروطه و وظیفه انتقاد از مسائل اجتماعی را بر عهده داشته است. در بررسی آثار طنز آمیز علاوه بر تحلیل درونمایه‌ها و آماج طنز میتوان به بررسی تکنیکهای طنزپردازی نیز پرداخت، که شناخت این شگردها در فهم و درک مخاطب و نیز التذاذ بیشتر آنها در مطالعه آثار طنزآمیز موثر است.

رضا رفیع از طنزپردازان معاصر کشورمان است، که طنزهایی به شعر و نثر دارد. او با نگاهی دقیق و با زبانی شیرین ضمن بهره‌گیری از انواع تکنیکها طنزپردازی به طرح دیدگاههای انتقادی خود نسبت به نابسامانیهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور میپردازد، که هم موجب خنده و تفکر مخاطب و هم سبب تنبّه مسئولان میگردد. رفیع هرچند در جایگاه یک طنزپرداز متعهد، دغدغه عدالت اجتماعی و آزادی بیان دارد؛ اما طنز او شیرین و غیرگزنده است. جستار پیش رو که به روش توصیفی-تحلیلی سامان یافته، ضمن بررسی درونمایه و آماج کتاب *حرف اضافه*، شگردهای سه‌گانه زبانی، بلاغی و موقعیتی طنز رفیع نیز مورد بررسی قرار گرفته است. براین پژوهش حاضر حاکی از آن است، که رفیع از غالب شگردهای طنزپردازی به ویژه بهره‌گیری از ظرفیت زبان عامیانه و محاوره، در حوزه زبانی و کنایه و تعریض در سطح بلاغت و خلق موقعیتهای طنزآمیز به وسیله توصیف سودجسته است. نگارندگان از شگردهای دیگر طنز نظیر: آیرونی، نظیره نویسی و نقیضه پردازی در "حرف اضافه" رفیع غافل نبوده و نمونه‌هایی مناسب از مقولات یاد شده را مورد بررسی قرار داده‌اند.

کلیدواژه‌گان: طنز، حرف اضافه، رفیع، شگرد، درونمایه.

۱- تمام مجلات علمی پژوهشی کشور از ابتدای سال ۹۸ به دستور وزارت علوم به مجلات علمی تغییر نام داده‌اند.

۲- استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه مازندران (b.mahdavi@umz.ac.ir)

۳- کارشناس ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه مازندران (mahshid.rouhi1@gmail.com)

An Overview of the theme and Linguistic and Rhetorical Perspectives of Reza Rafi's "HARFE EZAFE"

Batool Mahdavi¹ (Corresponding Author), Mahshad Roohi²

Abstract

Humor is one of the most important literary genres, which has been the subject of criticism of social issues throughout the history of literature in the land, especially after the constitutional movement. In addition to analyzing themes and targeting humor, the study of satirical works can also explore humorous techniques, which are effective in understanding and understanding audiences and in furthering their study of satirical works. Reza Rafi is one of the contemporary satirists of our country, who has satire on poetry and prose. He uses a variety of humorous techniques to convey his critical views of the country's economic, social and cultural disruptions, which both make the audience laugh and punish officials. Although Rafi has a passion for social justice and freedom of expression in the role of a committed comedian, his humor is sweet and unmistakable. The present paper, organized in a descriptive-analytical manner, examines the themes and objectives of the Harf e ezafe book, the triple linguistic, rhetorical, and situational techniques of humor. The result of the present study, however, is that the benefit of most of the humorous techniques, especially the use of slang and colloquial language, in linguistics and transcendence, and the rhetoric of transcendence and the creation of humorous situations have been profited by the description. The authors have not been unaware of other satirical techniques such as irony, novel writing and contradiction in Rafi "Harf e ezafe" and have examined appropriate examples of the mentioned categories.

Keywords: Humor, Harf e ezafe ,Rafi,Linguistic and Rhetorical Perspectives,themes.

¹ - Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, University of Mazandaran (b.mahdavi@umz.ac.ir)

² - Master of Persian Language and Literature, University of Mazandaran (mahshid.rouhi1@gmail.com)

۱- مقدمه :

طنز و مطایبه و نقد آن، رشته‌ای نوپژوهش در ایران به شمار می‌آید و تعریف این اصطلاح نیز با فراز و نشیب‌های بسیاری همراه بوده است. طنز کلمه‌ای عربی است، به معنی سخن طعنه‌آمیز، سرزنش (فرهنگ بزرگ سخن، انوری، مدخل طنز)، عیب‌جویی و استهزا کردن، معادل آن در لغت عرب السخریّه و در زبان انگلیسی satire است. این واژه در اصطلاح ادبی یک ژانر یا نوع فرعی و روبنایی ادبی محسوب می‌شود (انواع ادبی، شمیسا: ۲۱۹)، که ضمن آن «اشتباهات یا جنبه‌های نامطلوب رفتار بشری، فسادهای اجتماعی، سیاسی یا حتی تفکرات فلسفی را به شیوه‌ای خنده‌دار به چالش کشیده می‌کشد» (فرهنگ واژگان و اصطلاحات طنز، اصلانی، ۱۳۸۵: مدخل طنز).

برای طنز کارکردها و اهداف متنوعی برشمرده‌اند: برخی طنز را نکوهش شرارت و بلاهت، دسته‌ای ابزار اصلاح‌پلیدی، گروهی تسکین‌دهنده و پاسدار اخلاقی برمی‌شمارند (طنز، پلارد: ۵). طنزپرداز نیز در جایگاه مصلحی اجتماعی با ناراستیها و نابسامانیها به مبارزه برمی‌خیزد و بعضاً عواقب آن را به جان و دل می‌خرد و به قول الیوت «طنزنویس به لحاظ نظری، اخلاق‌گرایی سختگیر است، که بدیهی‌های زمان و مکان خود را محکوم می‌کند» (همان: ۶۶). در واقع طنزپرداز «باید بداند چه چیزی را می‌تواند به عنوان مهم به خوانندگانش بقبولاند» (همان: ۸).

با نگاهی به آثار طنزآمیز می‌توان چنین ارزیابی کرد، که برخی آثار به قصد طنز و هزل نوشته شده‌اند، ولی در هر اثر جدی هم ممکن است طنز و شوخی و مطایبه دیده شود (انواع ادبی، شمیسا: ۲۳۷)، برای دسته اول می‌توان *اوصاف / الاشراف* عبید زاکانی و *چرند و پرند* دهخدا را به عنوان نمونه ذکر کرد و برای دسته دوم در آثار سنائی، حافظ، مولوی، سعدی و ... طنز به منزله یک صناعت ادبی در یک اثر جدی با کارکرد ایجاد شگفتی و لذت بخشی و زیبایی به کار رفته؛ بدون آن که موضوع و درونمایه آثار آنان طنز باشد. طنز رضا رفیع نیز جزو دسته نخست به شمار می‌آید و نگارندگان در این جستار به بررسی درونمایه، آماج و شگردهای وی در کتاب *حرف اضافه می‌پردازند*. شایان ذکر است این مقاله مستخرج از پایاننامه دانشجوی کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی است، با عنوان "شگردهای طنز پردازی در آثار رضارفع" که در شهریور ۱۳۹۸ در دانشگاه مازندران دفاع شده است.

۱-۱- پیشینه و نوآوری پژوهش :

درباره طنز و طنزپردازان ایرانی کتابها و مقالات متعددی به نگارش درآمده است؛ ولی تاکنون طنز رضا رفیع چه از نظر محتوایی و چه از حیث شگردهای طنزپردازی در هیچ

مقاله یا کتابی مورد بررسی قرار نگرفته و این اثر نخستین گام در این راستا به شمار می آید.

۲- ماهیت طنز :

طنز تفکر برانگیز است و ماهیتی پیچیده و چند لایه دارد. گرچه طبیعتش بر خنده استوار است؛ اما خنده را تنها وسیله‌ای می‌انگارد برای دستیابی به هدفی برتر و آگاه کردن انسان به عمق رذالتها و مفساد اجتماعی، سیاسی و اخلاقی، فرهنگی و ... گرچه در ظاهر می‌خنداند، اما در پس این خنده واقعیتی تلخ و وحشتناک وجود دارد که در عمق وجود، خنده را می‌خشکاند و انسان را به تفکر وامیدارد؛ به همین خاطر درباره طنز گفته‌اند: «طنز یعنی گریه کردن قاه قاه، طنز یعنی خنده کردن آه آه.» (افرنگ واژگان و اصطلاحات طنز، اصلانی: مدخل طنز) در نتیجه طنز را میتوان مانند یک تیغ جراحی فرض نمود، زیرا کار تیغ جراحی برش جایی به منظور بهبود آن است. به همین دلیل است که طنز را نافذترین گونه شوخ طبعی میدانند. هنری است که عدم تناسب در عرصه‌ها مختلف اجتماعی را که در ظاهر متناسب به نظر میرسند، نشان میدهد و این خود مایه خنده میشود. هنر طنزپردازی، کشف و بیان هنرمندانه و زیبایی شناختی عدم تناسب در این متناسبات است. در واقع «طنز چیزی جز تصویر هنری اجتماع نقیضین نیست» (موسیقی شعر، شفیع کدکنی: ۴۳۳)؛ چراکه طنز غالباً حاصل گردآمدن عناصر ناسازگار و مغالطه‌گری است. در مورد علت خنده انگیزی طنز نیز دلایلی نظیر درک ناهماهنگی، آرامش حاصل از آزاد شدن انرژی عصبی پس رانده شده و احساس تفوق بر دیگران مطرح شده است (در باب طنز، کریچلی: ۱۱ و ۱۲).

۲-۱- شیوه‌های تحلیل آثار طنز آمیز:

بسته به نوع رویکرد پژوهشگران، آثار طنز آمیز نیز، به شیوه‌ها متنوعی مورد تحلیل قرار می‌گیرند الف-گاهی آن بررسیها ناظر به محتواست و متن محل بحث از جهت موضوع، پیام، درونمایه، محتوا و یا آماجها مورد تحلیل قرار می‌گیرند. ب-زمانی بر فرم و صورت آنها تمرکز میشود و به عبارتی از قالب، نحوه بیان و شیوه ارائه مضمون و هدف بهره می‌گیرد. ج- همچنین از تکنیکها و ترفندهای زبانی و بلاغی و یا کلامی و غیرکلامی که طنزپرداز جهت خنده انگیزی اثر خود از آنها بهره گرفته، بحث میشود.

۲-۱-۱- از نظر موضوع و درونمایه:

متون طنز را از حیث مایگان میتوان به پنج دسته زیر تقسیم نمود: ۱- طنز اجتماعی، که هدف در این نوع طنز مبارزه با نابسامانیها و ناهنجاریهایی است که در آداب، سنن، نظامها و افشارگوناگون جامعه دیده میشود ۲- طنز سیاسی، که شامل انتقاد از ناکارآمدی ارکان و ارباب سیاست در امور داخلی و خارجی کشور میشود. ۳- طنز دینی و مذهبی: امور

مرتبط با دین و مذهب چون: روزه، نماز، حج، توبه و... همواره وسیله هدایت در شریعت و با نوعی تقدس همراه است، چنانچه فرائض دینی و قدسی ابزار ترقی و کسب امتیازات دنیوی مزوران و ریابیشگان شود، مورد طعن و ریشخند طنزپردازان مخلص و صادق قرار میگیرد و به تعبیری «طنزنویس شادمانه به بزرگنمایی مغایرت حرف و عمل میپردازد و تزویر و ریا همیشه موضوعهای دم دست اوست، خاصه وقتی ریاکاران به واسطه حرفه خود متعهد به معیارهای رفتاری کاملاً متفاوتی باشند» (طنز، پلارد: ۱۹). ۴-طنز عارفانه: در این نوع طنز، اعمال و آداب صوفی نمایان و شطح و طامات و یاوه‌گویی آنان و همچنین خانقاه نشینی غیرمخلصانه و خرقة سالوس این فرقه، مورد طعنه قرار میگیرد. ۵-طنز فلسفی یا الهیاتی: بیشتر اشعار خیام و برخی اشعار حافظ و عطار رنگ فلسفی دارند، که بعضاً با لحنی طنزآمیز به چون و چرا و اعتراض در کار جهان و خداوند میپردازند.

گاه موضوع طنز، تلفیقی است، با این توضیح که گاهی دو امر سیاسی یا اجتماعی و دینی درهم تنیده اند، نظیر برخی حکایات عبید زاکانی و یا سیاسی-دینی است، نظیر آنچه در مضامین برخی ابیات حافظ وجود دارد.

از منظری دیگر نیز طنز به سیاه و سفید دسته‌بندی میشود: ۱-طنز تلخ یا سیاه ۲-طنز سفید یا شیرین. در طنز سیاه خنده انگیزی و خنده ناکی کمتر از نیش آن حس میشود و به عبارتی «طنز سیاه گریه را برخنده ترجیح میدهد» (همان: ۹۱)؛ ولی در طنز شیرین بذله‌گویی و شوخ طبعی بر تفکر و تعمق طنز برتری دارد. اصولاً طنز شیرین روحیه مدارا و حل شدن در فضای حاکم و محافظه کاری و احتیاط کامل طنزپرداز را نشان میدهد. در شعر خیام و حافظ و عطار و طنزپرداز معاصر محمدرضا عالی پیام (هالو) بیشتر طنز تلخ داریم؛ اما طنز گل آقا و عبید زاکانی و در میان معاصران آثار رضا رفیع بیشتر شاهد طنز شیرین هستیم.

۲-۱-۲- شگرد طنز پردازی :

شگردهای طنزپردازی شیوه‌ها و تکنیک‌هایی است که در طنز به کار برده میشود (تاریخ طنز در ادبیات فارسی، جوادی: ۱۷). به تعبیر دیگر روشهایی که طنزپرداز در کارش به صورت آگاهانه یا ناآگاهانه استفاده میکند، تا پیامش را در قالبی خنده آور به شکل موثرتر و دلپذیرتر منتقل کند. این شگردها گاهی لفظی یا کلامی و زمانی هم نمایشی و دیدنی است. لازم به ذکر است گاهی در یک متن طنزآمیز ممکنست چندین شگرد به کار گرفته شود. محققان در حوزه طنز هر کدام بسته به نوع نگاه خود به دسته بندی انواع شیوه‌های طنز پرداختند، که طبیعتاً با تقسیم بندی دیگران متفاوت است. «با وجود کثرت انواع طنز، شیوه‌ها یا تکنیک‌هایی که در آن به کار گرفته میشوند نسبتاً محدودند. شاید بتوان قسمت عمده آنها را تحت پنج عنوان مختلف خلاصه کرد: ۱-کوچک کردن، ۲-بزرگ کردن، ۳-

تقلید مضحک از یک اثر ادبی شناخته شده، ۴- ایجاد موقعیتی در داستان یا نمایشنامه که خود به خود طنزآمیز است و یا به اصطلاح نقد ادبی ironic situation (موقعیت کنایی) و همچنین استفاد از کنایه، گوشه و طعنه (irony) ۵- به کار بردن عین کلمات کسی که مورد طنز قرار میگیرد و ایجاد چهارچوبی مضحک برای آن (همان: ۱۷).

برای سهولت در تفکیک انواع شگردهای کلامی آنها را می توان به زبانی، بلاغی دسته بندی نمود. طنز موقعیت زیرمجموعه طنز غیر کلامی قرار میگیرد. در جستار حاضر شگردهای طنزپردازی ناظر به ابزارهای زبانی، بلاغی و موقعیت بررسی و تحلیل میشود.

۱-۲-۱- شگردهای زبانی:

روشهای زبانی میتواند انواع بازیهای زبانی، انتخاب واژگان خاص، دگرگون کردن لغات و اسامی، بکارگیری جملات و عبارات در غیر موضع خود و دیگر شیوهها کشف نشده در صرف کلمه و نحو جمله را شامل شود:

مجاورت واژگان کهن با کلمات امروزی/بهره گیری از زبانهای دیگر/واژه سازی و ترکیب سازی غریب/واژه های محاوره و تعابیر عامیانه/بکارگیری جملات معترضه/حاشیه روی، یا اصلی شدن یک قضیه فرعی/اصراحت بیش از حد/چرخش از موضوع جدی به خنده دار / استفاده آگاهانه از دو سبک متفاوت/بیربط گویی / بدیهه گویی / شعارزدگی / اتباع / لهجه معتادان.

۲-۲-۱- شگردهای بلاغی :

این دسته از تکنیکها به حوزه علم بیان و علم بدیع مربوط میشود. با این توضیح که طنزپرداز از امکانات متنوع علم بیان و بدیع در جهت خنده انگیزی بهره میبرد. شایان ذکر است که امکانات بلاغی زمانی شایستگی بررسی در طنز را دارند، که موجب خنده ناکی متن شوند و چنانچه سبب خنده انگیزی نباشند از دایره بحث طنز خارجند.

شگردهای بلاغی در حوزه بدیع شامل مواردی چون: سجع و جناس/تکرار واژه ها/اسلوب معادله/حسن تعلیل خنده دار یا استدلال بیربط /تلمیح و تضمین/نظیره سازی و نقیضه پردازی، تحریف ضرب المثل / ایهام /اغراق / اسلوب الحکیم/ تجاهل العارف/ تضاد/تناقض و در حوزه بیان شامل: استفاده از تشبیهات خاص / استعاره مکنیه(تشخیص)/ آبرونی/کنایات طنز آمیز/تعریض یا طعنه زدن.

۳-۲-۱- طنز موقعیت :

در طنز موقعیت یا موقعیت طنزآمیز، طنزپرداز با الفاظ، سروکار ندارد و اساس و پایه طنز او بر مفاهیم استوار است. به عبارتی دیگر شگردها در طنز موقعیت، مقید به کلام نیست و بر محتوای زبان دلالت دارد و بیشتر به خلق موقعیتهای و به رفتار شخصیتها و چگونگی فضای حادثه وابسته است. به همین دلیل خلاف ساز و کارهای مبتنی بر کاربرد

زبان امکان ترجمه کردن آن بیشتر است. در واقع در طنز موقعیت ساختار کلام از سطح روایی فراتر رفته تصویری و نمایشی میشود و در ذهن مخاطب تصویر آفرینی میکند؛ با این توضیح که طنزپرداز حقیقت موقعیتها را دگرگون میکند و موقعیتهای متضاد و متناقض را در کنار هم قرار میدهد و صحنه ای می آفریند که تصور و تجسم آن خنده دار است که شامل شگردهای زیر است:

- توصیفهای خنده دار/برعکس گویی/ رفتارهای ناسازگار با جایگاه اشخاص/بکارگیری شخصیت‌های بی دست و پا / ناهمخوانیهای زمانی و مکانی/ناهمخوانی شخصیت بامحیط/ درگیر کردن دو شخصیت کاملاً متضاد.

۳- کارنامه شاعری و طنزپردازی رضا رفیع:

محمد رضا رفیع زاده از جمله مجریان محافل هنری و طنزپردازان معاصرست، که در رادیو و تلویزیون فعالیت میکند. رفیع علاوه بر آنکه اشعاری با مضامین تغزلی و عاشقانه همراه با مطایبه دارد؛ اما عمده شهرتش در عرصه طنز و طنزازی، چه در قالب نظم و چه به شکل نثر و البته در حوزه طنز منثور- آن هم از نوع ژورنالیستی- است. جوهره و رویکرد اصلی و اساسی طنزهای او، سیاسی، ادبی و فرهنگی است. از آثار طنزآمیز رفیع تنها کتاب منثور "حرف اضافه" چاپ شده و اشعارش هنوز منتشر نشده و بطور پراکنده در جراید و سایتها قابل دریافت است. وی در سال ۷۶ مجله دنیای طنز را تأسیس کرد و در سال ۷۹ مسئولیت هفته‌نامه سیاسی گل‌آقا را بعهده گرفت و از سال ۱۳۸۱ عضو ثابت تحریریه روزنامه اطلاعات شد. از سال ۸۳ تاکنون ستون طنز روزنامه جام‌جم و نیز ستون طنز اطلاعات هفتگی را به عهده دارد. برنامه «قندپهلو» ایده‌ای متفاوت بود که به سردبیری و اجرای رضا رفیع در حوزه مسابقه شعر طنز در شبکه آموزش خوش درخشید. پس از قندپهلو، رفیع به شهرت و محبوبیت بیش از پیش رسید. در واقع هنر او در خلق شوخیهای فی‌البداهه از هر موقعیت جدی در اجراهای بویژه زنده رادیو و تلویزیون مخاطبان زیادی را عائد رسانه کرده است.

۳-۱- ساختار، آماج و درونمایه "حرف اضافه"

کتاب طنزآمیز "حرف اضافه" تنها اثر چاپ شده رضا رفیع است، که بازه زمانی سال ۸۱ تا ۸۳ را شامل میشود. رفیع در این کتاب غالباً به مسائل سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی روز میپردازد. طنزهای این کتاب غالباً یک صفحه ای است و بترتیب زمان وقوع حوادث در داخل و خارج از کشور نوشته و تنظیم شده است. در واقع محتوای طنز این کتاب، یک دوره کامل از اخبار این مقطع -دوره موسوم به دوره اصلاحات و گفتگوی تمدن‌ها- را شامل می‌شود. هر چند کتاب حرف اضافه به ترتیب سیر زمانی تنظیم شده است؛ اما طنزهای این کتاب هر کدام مستقل بوده و وابستگی محتوایی بهم ندارند. مطالب

کتاب غالباً به شکل متن کوتاهی مشابه متون دیگر کتاب است، که ضمن آن با عناوین و مطالب مهم اخبار روزنامه‌ها و یا تلویزیون شوخی و انتقادی طنزآمیز شده است.

رضا رفیع در کتاب حرف/اضافه، از قالبهایی مثل حکایت، داستان مینی‌مال، نمایش، برنامه آشپزی، برنامه هواشناسی، شایعه، پرسش فلسفی بهره میگیرد. وی همچنین گاهی برای متن طنزآمیز خود بخشهایی نظیر: هشدار، پیشنهاد، توضیح، در حاشیه و نتیجه-گیری تعریف و تنظیم میکند. ضمناً او گاهی ابیات خنده داری میسراید و در خلال نشر طنزآمیز حرف/اضافه قرار میدهد.

سبک او در نگارش نشر طنزآمیز، ژورنالیستی است و زبان طنز او را نه کاملاً ادبی و نه صرفاً محاوره‌ای، بلکه میتوان میانه و تلفیقی از این دو سبک برشمرد.

۲-۳- آماج طنز رفیع:

رضا رفیع در کتاب حرف/اضافه، به امور سیاسی، عملکرد مسئولان، مدیران، نمایندگان مجلس، وزیران و رهبران جناح‌های سیاسی ناظرست.

ضمناً رفیع در کتاب خود اسامی اشخاص سیاسی و اجتماعی و مدیران روزنامه‌ها را واضح و صریح نام میبرد و بعضاً از آنان انتقادی نرم و شیرین میکند.

۳-۳- درون‌مایه طنز رفیع:

رضا رفیع در کتاب حرف/اضافه، مشکلات و معضلات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه را مطرح کرده است:

۱- رفیع در انتقاد از اوضاع داخلی کشور، به مشکلات جوانان از جمله: ازدواج، شغل، تحصیل و مسکن جوانان میپردازد: "ده میلیارد ساعت فراغت خالص": (حرف اضافه، رفیع زاده: ۱۳۸)، "چگونگی از بین بردن بیکاری" (همان: ۴۶).

۲- وی همچنین به اقتصاد کشور و افزایش بی رویه قیمت‌ها اشاره میکند: "حاسبوا قبل ان تحاسبوا" (همان: ۴۵) "بهار بنزینی" (همان: ۹۶) و "پارازیت افزایش قیمت" (همان: ۱۵۲).

۳- رضا رفیع توجه مسئولان را به اصلاح اساسی زیرساختها و ریشه کن نمودن مشکلات، جلب میکند و با تلخندی زیرکانه، اقدامات روبنایی و بی تأثیری همانند: تغییر نام وزارتخانه‌ها (همان: ۱۰۲) و دستشویی روستاها (همان: ۴۷) را به چالش میکشد.

۴- شگردهای طنز پردازی در کتاب حرف/اضافه:

طنزهای کتاب حرف/اضافه به نشر آن هم با سبکی ژورنالیستی به نگارش درآمده‌اند. طنزهای این کتاب از منظر کمیت یکسان و یکدست نیستند، با این توضیح که پنج طنز نخست کتاب مزبور، طولانی و مابقی طنزها عموماً یک یا دو صفحه ای هستند. رفیع از انواع شگردهای مربوط به ساحت زبان و بلاغت برای خنده انگیزی طنز خود بهره گرفته، که در نوشتار حاضرذیل یکی از مقولات حوزه زبان و بلاغت گنجانده شده است.

۴-۱- شگردهای زبانی در حرف اضافه

در این قسمت عناوین و به تبع شواهدی ذکر می‌گردد، که به حوزه زبان مربوط است، با این توضیح که شگردها یا به حوزه قاموسی و واژگانی مربوط هستند؛ نظیر: بکارگیری کلمات و تعابیر عامیانه و محاوره، واژه‌سازیهایی مخالف قیاس صرفی، بکارگیری لهجه معتادان، همنشینی کلمات کهن با واژگان امروزی یا فرنگی و بکارگیری اتباع، غلطهای عمدی املائی و یا شگردهای مربوط به ماهیت، لحن و حال و هوای جملات هستند؛ چون بکارگیری جملات معترضه خاص، بدیهی‌گویی، بربط‌گویی، رک‌گویی.

۴-۱-۱- بکارگیری زبان عامیانه:

نجفی برای زبان گفتار قائل به دودسته زبان محاوره و زبان عامیانه است. وی زبان محاوره را مترادف زبان متداول یا روزمره میدانند، که زبان مردم فرهیخته و نیمه فرهیخته است؛ اما زبان عامیانه از نگاه او «نه مفهومی اجتماعی-سیاسی، بلکه بر مفهومی اجتماعی-فرهنگی دلالت میکند و آن عبارتست از کلمات و ترکیبات زبان محاوره مردم نیمه فرهیخته که بی قید و بند سخن می‌گویند و الفاظی بر زبان می‌آورند، که مردم فرهیخته از ادای آنها خاصه در محافل رسمی به شدت احتراز میکنند» (فرهنگ فارسی عامیانه، نجفی: هفت). عبارت دیگر زبان عامیانه «گونه‌ای است، که میان قشرهای بی سواد و کم سواد و دارای مشاغل کم اعتبار رواج دارد» (زبان معیار چیست و چه ویژگی‌هایی دارد؟، رضایی: ۲۷). کاربرد این دسته از کلمات، تعابیر و جملات محاوره و عامیانه و همراه کردن آن با زبان ادبی و شعر، موجب افزایش صمیمیت متن طنز میشود و مردم عامه لذت بیشتری می‌برند و ارتباط بیشتری با متن برقرار میکنند. رضا رفیع از ظرفیت هر دو دسته -چه در سطح انواع واژه و چه به صورت عبارات ترکیبی- استفاده کرده و از این امکانات، علاوه بر نزدیک ساختن کلام خود به زبان توده، در خنده‌انگیزی طنز خود بهره برده است. واژه‌هایی همانند: الکی (حرف اضافه، رفیع زاده: ۳۴)، اراجیف، تَنبان، هِرّوِبَر، درِی‌وری، لامصب، عی

نهو، ماچمالی،

فعلهایی همانند: تَقّی به توقی خورد (همان: ۲۷)، بذار سر کُلمن آبش رو بخور، سگ صاحبش را گم میکند، اخ کن بیاد داداش.

در یکی دو دهه‌ی اخیر با گسترش رسانه‌های اجتماعی نظیر: تلگرام، ایمو و واتس‌آپ بسیاری از اصطلاحات انگلیسی را به شکل افعالی به کار می‌گیرند، که برخی ذیل محاوره و دسته‌ای زیر عنوان زبان عامه می‌گنجد. برای نمونه میتوان "اد کردن" را محاوره و "چتیدن" را عامیانه دانست: پس آیدی بده ادد کنیم تا با هم بچتیم (همان: ۴۲۵).

۴-۱-۲- زبان محاوره:

واژه‌هایی همانند: آقازاده، طفلکی، مزدبگیر، گنده گویی (همان: ۷۴)، دوبله.

هنگام قرائت هر متنی در مجلس نسخه زاپاس را فراموش نفرمایید (همان: ۱۰۵).

۴-۱-۳- بکارگیری کلمات غیر فارسی: رفیع گاهی از کلمات عربی و انگلیسی در طنز خود استفاده کرده، که همنشینی این کلمات با کلمات فارسی سبب خنده خواننده میشود. کاربردها عربی همانند: المسمی، معذک، مذموم، منویات، لدی الورد، یومیه و کلمات و عبارات انگلیسی همانند sitting, eating, in the name of God (همان: ۴۰).

۴-۱-۴- عبارات کهن: بکارگیری کلمات کهنه و قدیمی که سبب ایجاد جدیت و وقار متن میشود در فضای تُنک و غیر جدی طنز، موجب خنده ناکی متن میشود. رفیع بندرت از امکانات واژه های کهن پارسی بهره برده است.

تخته‌بند، خُسیبده (همان: ۲۱)، عنقریب، اجنبی، فی المجلس (همان: ۲۹)، گرانسنگ و بکارگیری افعال تأکیدی نظیر بشد و صرف فعل بودن در زمان ماضی التزامی: بوده باشد (همان: ۲۳).

۴-۱-۵- ساخت کلمات و عبارات طنزآمیز: رفیع با خلاقیت و قریحه طنز آمیز خود، به خلق کلمات و عباراتی میپردازد، که موجب خنده ناکی هر چه بیشتر طنزش شده است، کلمات و ترکیباتی همانند:

منکرات اشتباهی، الغیبه شصت تا شتا، پیشرفت تکنوپولی، امواج هر جایی ماهواره، اتهام و راندازی و دراندازی، زلزله لوژی (همان: ۳۵)، کوفت و کوب تمدنها (همان: ۱۴۴)، تنبان ابوموسی (همان: ۳۷۹) و ترقص (همان: ۲۷).

۴-۱-۶- اتباع: رفیع از این امکانات هم استفاده انگشت شماری کرده است: شلوغ پلوغ (همان: ۳۷)، غرض مرض (همان: ۵۳) و علم و ملم (همان: ۴۰۲). از شخصی پرسیدند انگیزه شما چه بود؟ شخص با ناراحتی گفت: من انگیزه منگیزه حالیم نیست (همان: ۱۴۸).

۴-۱-۷- غلط املائی: غلط املائی عمدی نیز میتواند از شگردهای طنزپردازی باشد. رفیع از این امکانات نیز به شکل محدودی بهره برده است:

در عصر حجر واژه توفان به صورت طوفان نوشته می‌شد، که بی‌سواتی انسان‌های اولیه را نشان میدهد (همان: ۳۶). چنانچه در قید حیاط میباشید از حیاط استفاده کنید (همان: ۳۸).

۴-۱-۸- لهجه معتادان: رفیع در ۳ موضع از کتاب حرف اضافه با بکارگیری لهجه قشر آسیب دیده جامعه، سعی در خنده آمیز کردن سخن خود دارد.

به معتادی گفتند نباید دیگر مصرف کنی؛ چون دولت تو را به جزیره می‌فرستد معتاد گفت: ژون ما! مگه دولت مشدق عوژ شده؟! (همان: ۱۴۳). با اعلام شدن کوپن تریاک، معتادی آواز میخواند: هر دم آواژ عشق میرشد از شب و راشت! و میگوید: ژان ناقابل ما به فدای هرچی علم و ملم! (همان: ۴۰۲).

۴-۱-۹- **جمله معترضه:** رفیع از جملات معترضه دعایی و توضیحی در ۱۳ موضع از کتاب حرف اضافه استفاده کرده است. وی بیشتر جهت طعنه زدن به مسئولان از این امکانات بهره برده است.

میرزا فشمشم قالب تهی کرد و - اگر رنگ خون زرد بوده باشد- افزون از حد از وی خون خارج بشد (همان: ۲۳).

۴-۱-۱۰- **رک گویی:** گاهی رفیع ناچار میشود مستقیماً و به صراحت، مشکلات جامعه را بیان کند که این امر جنبه شوخی کلام را کم رنگ تر نمایش میدهد. اگر یکی از ماها همین حرف را میزد حساب کنید، تا حالا چندبار دخلش آمده بود! (همان: ۱۶۹).

۴-۱-۱۱- **چرخش از جدی به شوخی:** گاهی سخن از فضای جدی به طور غافلگیرانه ای لحن شوخی به خود میگیرد. به نظر میرسد که رفیع از این روش برای نکوهش و تمسخر برخی اعمال بهره برده است:

اگر مدافع نظریه درهای باز هستید، هنگام زلزله از طریق در فرار کنید (همان: ۳۵).

۴-۱-۱۲- **شعارزدگی:** شگرد شعارزدگی همانند بکارگیری لهجه معتادان تقریباً از تکنیکهای نوظهوری است، که در متون کلاسیک شاید بدلیل نبود بستر آن شناخته شده نبوده است. در حرف اضافه حدوداً ۲۰ مورد از شگرد مذکور به کار گرفته شد. در زمینه شیوع بیماری رشوه دو گروه مقصردند: کسانی که توی کار مردم گره می‌اندازند و کسانی که گره مردم را می‌گشایند، پس مرگ بر گره! (همان: ۱۶۰).

۴-۲- **شگردهای بلاغی در حرف اضافه:**

رفیع در کتاب حرف اضافه از انواع ظرفیتهای مربوط به حوزه بلاغت اعم از آرایه های لفظی و معنوی در علم بدیع و چه انواع تصویرپردازیهای علم بیان جهت طنزآمیز کردن سخن خود بهره برده است.

۴-۲-۱- **جناس:** رفیع در حرف اضافه ۸ بار از جناس تام و انواع جناس ناقص (مرکب، اشتقاق؛ لفظی، لاحق و محرف) برای تقویت خنده انگیزی و تاثیر هرچه بیشتر طنزش بهره برده است.

جناس تام: با دو چشم سر بینی که کلاهی سرت رفته تا بینی (رفیع زاده، ۱۳۹۵: ۲۴).

جناس محرف: دانشگاه چیز خوبی است که مجازی هم اگر بوده باشد بلا اشکال و مجاز است (همان: ۵۱).

۴-۲-۲-سجع: رفیع ۳ بار از این شگرد بهره برده است:

بوش کابوی، رهنانه کمان کشیده و در کمین، که زند صدام را به تیر و من غمین و در کمال بی طرفی همه غم بود از همین! (همان: ۴۸)

۴-۲-۳-تلمیح و تضمین: در کتاب حرف اضافه ۱۷ بار به اعلام و ماجراها دینی و تاریخی، همچنین شخصیت‌ها داستانهای کهن و یا بخشهایی از اشعار و مطالب مشهور بزرگان به صورت تلمیح و یا تضمین اشارات زیادی شده است:

مولانا شمس تبریز (همان: ۲۵) حسام‌الدین چلیبی (همان: ۴۲)، هویدا و گل ارکیده (همان: ۴۰)، دکارت (همان: ۴۸)، نوسترآدموس و ارنست همینگوی (همان: ۴۹).

اسرار فلان را نه تو خوانی و نه من وین جرم سیاسی نه تو دانی و نه من مثال بالا به این بیت از رباعی خیام تلمیح دارد:

اسرار آزل را نه تو دانی و نه من وین حرف معما نه تو خوانی و نه من

۴-۲-۴-نظیره سازی (برلسک burlesque) و نقیضه پردازی (پارودی parody)

این اصطلاح را نظیره سازی یا مشابه سازی یا نظیره نویسی «بورلسک، تقلید ریشخندآمیز، تقلید طنزآمیز، مضحکه» (فرهنگ واژگان و اصطلاحات طنز، اصلانی: مدخل نظیره) نیز میگویند. به عبارتی دیگر نظیره پردازی نوعی نوشته طنزآمیز است، که از تقلید ناجور و مضحک و اغراق آمیز موضوع، سنت، شیوه، یا اثر هنری شکل میگیرد تا ضمن مسخره کردن، آداب و رسوم، عاداتها، افراد یا آثار ادبی را به چالش کشد... در نظیره چه بسا سبکی فخیم به شکلی مضحک تبدیل شود، عواطفی راستین به صورت احساساتی سخیف بیان شود، یا موضوعی جدی که به شوخی به آن پرداخته شود. ویژگی اصلی نظیره، عدم هماهنگی و تناسب بین موضوع و سبک است. همین ناهماهنگی موجب میشود، تا این نوع نوشته ها جنبه های طنز را به خود بگیرد» (همان).

معادلهای دیگر نقیضه: پارودی و محاکات تهکمی است. این اصطلاح از نقض به معنی ویران کردن و شکستن و نقیض و نقیضه به معنی مخالف و ویران کننده است. در نقیضه گویی نقیضه گو کلام نویسنده ای را در یک اثر مشخص میشکند، تا آن را از حالت جدی به اثری مضحک تبدیل کند (فرهنگ واژگان و اصطلاحات طنز، اصلانی: مدخل نقیضه). گاهی قصد نویسنده صرفاً شبیه سازی نیست؛ بلکه شبیه سازی به قصد تمسخر یا هجو یا رد کردن آن اثر مهم و مشهور به شیوه سبک و مسخره آمیز صورت میگیرد در این مورد بهتر است به آن نقیضه نویسی (پارودی parody) گفت تا نظیره نویسی و شبیه سازی (همان: ۱۶۹). شایان ذکر است، که طنزهای شبیه سازی در ادبیات ما بیشتر از نوع نظیره سازی و شبیه

نویسی است و طنز پرداز در آن نه در پی مسخره کردن آثار کهن و نو، بلکه استفاده از شهرت این آثار برای خندانیدن خواننده است. (اسرار و ابزار طنزنویسی، سلیمانی: ۱۶۹). برخی نقیضه و نظیره سازی را دو نوع مستقل ادبی به شمار می‌آورند و تنها تفاوت بین این دو را در آن میدانند که هدف نقیضه جواب به اثر مشخص و معینی است، حال آن که در نظیره یک طرز فکر یا یک نگرش خاص دستاویز اثر نویسنده و شاعر قرار می‌گیرد» (فرهنگ اصطلاحات ادبی، داد، مدخل نظیره سازی).

رفیع ۴ بار از این دو شیوه طنزپردازی نیز بهره برده است. وی علاوه بر آن که به شبیه سازی از گلستان (گلستان، سعدی: ۸۳ و حرف اضافه، رفیع زاده: ۱۵۸) و نقیضه پرداز از قابوسنامه پرداخته، در چند فقره نیز به تقلید از سبک کهن دست زده و یا به نقض یک جریان اجتماعی پرداخته است. رفیع طنز "کابوس نامه" را نیز به صورت نقیضه‌ای از مقدمه قابوسنامه شبیه سازی کرده که بخشی از آن ذکر می‌شود:

متن قابوسنامه

«چنین گوید جمع کننده کتاب پندها، الامیر عنصر المعانی کیکاووس بن اسکندر بن قابوس بن وشمگیر، با فرزند خویش گیلان شاه: بدان ای پسر که من پیر شدم و وضعی و بی توشی بر من چیره شده.... بدان ای پسر که سرشت مردم چنان آمد که تکاپوی کند تا از دنیا آنچه نصیب او آمده باشد به گرامیتر کس خویش بماند و نصیب من از دنیا این سخن آمد و گرامیتر کس بر من تویی. چنان زندگانی کن که سزای تخمه پاک توست که تو را ای پسر تخمه بزرگ و شریف است از هر دو طرف». (گزیده قابوسنامه عنصر المعالی، یوسفی: ۳ و ۴).

مثال: کابوسنامه :

من تالیفات امیر عنصرالمبایلی معلوم الحال کابوس ابن مزد بگیر ابن زیادی، چنین گوید جمع کننده این اراجیف با فرزند خویش سیامک المسمی به سیا: بدان ای پسر که سرشت مردمان این زمانه آن است که یک عده از سر عده ای دیگر کلاه بردارند و زمانی نگذرد، که آن عده کلاه از سر این عده بردارند (حرف اضافه، رفیع زاده: ۲۱).

و یا: ای پسر تو از هر دو سوی کریم الطرفین باشی و باید که هر جا روی پس فی المجلس قدر بینی و بر اتوبان صدر نشینی (همان: ۲۲).

۴-۲-۵- ارسال المثل: رفیع ۸ بار از تمثیل یا ارسال المثل به شیوه بسیاری از طنزپردازان بهره گرفته است. با این توضیح که گاهی عین مثل را آورده؛ اما در اکثر موارد در ضرب المثلها با دخالت امور جاری دستکاری ایجاد میکند و سبب خنده انگیزی متن میشود.

جلوی بدآموزی را هر جا بگیری آموزنده است (همان: ۹۲).

گاهی هم ضرب المثل فارسی را با بازیهای لفظی و غلطهای صرفی و نحوی طنز آمیز میسازد:

الدیگ یقول بدیگ الدیگر: انت سیاه! (همان: ۱۱۴).

۴-۲-۶- تضاد: رفیع از این شگرد به صورت بسیار محدود - ۵ مورد- در طنز خود بهره برده است.

عوامل سینما باید به فکر استفاده جدی از برادران طنزنویس هم باشند (همان: ۱۱۳).

۴-۲-۷- تناقض: رفیع ۳ بار با استفاده از مفاهیم متناقض برای انتقاد از وضعیت موجود استفاده کرده است.

در یوم پنجشنبه شب، معروف به شب جمعه (همان: ۲۸).

۵-۲-۸- اغراق: اغراق شامل بزرگنمایی و کوچک نمایی میشود. رفیع ۴ بار و غالباً از روش بزرگ نمایی بهره برده است:

جریمه های جدیدتر رانندگی از شدت شفافیت زائدالوصف! آنورش هم پیداست (همان: ۴۰)
۴-۲-۹- تجاهل العارف: رفیع از شگرد تجاهل العارف ۴ بار برای انتقاد از برخی دستگاهها و معضلات اجتماعی بخوبی بهره برده است:

آدم تعجب می کند، که چرا برخی جوان ها الکی اعتماد به نفس خود را از دست میدهند؛ مگر چی در زندگی کم دارند؟ (همان: ۳۰۶)

۴-۲-۱۰- حسن تعلیل خنده دار: رفیع در ریشه یابی بعضی معضلات جامعه، ۳ بار از این شگرد بهره برده و دلایل بیربط و خنده داری ارائه میدهد:

اصلاً علت خودکشی جوانان ما همه اش تقصیر همینگوی غربزده است، که هم وداع با اسلحه را نوشت هم خودش را با اسلحه زد و خلاص کرد (همان: ۴۹).

۴-۲-۱۱- ایهام: رفیع به طرز هنرمندانه ای ۳ بار از شگرد ایهام در جهت خنده انگیزی سخنش بهره برده است .

مثال: شورای شهر تصمیم گرفت، جلوی تراکم را بگیرد تا هیچ آدم تراکم خری بیش از سه طبقه نتواند بسازد (همان: ۱۲۷).

۴-۲-۱۲- اسلوب الحکیم: رفیع به خنده انگیزی این صنعت هم واقف بوده و ۲ بار از این شگرد استفاده کرده است: در طنزی با نام "پارازیت افزایش قیمت" که در قالب مصاحبه ای طراحی شده، وزیر پست در جواب به سوالات خبرنگار، پاسخهای بیربط میدهد و به تعبیری خود را به کوچه علی چپ میزند!

سوال: میشود بفرمایید نظرتان راجع به دستورهای صادره در خصوص کاهش نرخ خدمات دولتی دستگاه ها چیست؟

جواب: بله سوال خوبی به عمل آوردید، به نظر من راه مقابله با تصاویر ماهواره ای بازدهی مناسب نداشته.

سوال: لطفاً راجع به عدم کاهش نرخ بلیط هواپیما صحبت بفرمایید.

جواب: ببینید ما نباید ماهواره را ممنوع کنیم، بلکه باید ماهواره مجاز را تعریف کنیم (همان: ۱۵۲).

۴-۲-۱۳- تشبیه: با آن که تشبیه کارکرد زیادی در متون طنزآمیز دارد؛ اما رفیع در کتاب نسبتاً پر حجم حرف اضافه تنها ۲ بار از این ظرفیت استفاده کرده است. مینهایی که بلا تشبیه عینهو نفس اماره است (همان: ۶۲).

۴-۲-۱۴- استعاره مکنیه: رفیع از این شگرد نیز در حد محدودی-۵ بار- بهره گرفته است.

با این همه حرفی که پشت سر مارمولک زده شده، همین که تا به حال «مهدور الدّم» اعلام نشده، جای شکرش باقی است (همان: ۳۴).

۴-۲-۱۵- آبرونی :

نخستین چیزی که هر جستجوگر درباره آبرونی با آن مواجه میشود، دشواری تعریف آن است، تا جایی که موکه ادعا میکند: «اگر روزی احساس کردید که مایلید کسی را به سرگیجه فکری و تحلیلی دچار کنید، یکی از بهترین راه هایش این است که از او بخواهید درجا آبرونی را برایتان تعریف کند» (آبرونی، موکه: ۱۷).

این اصطلاح وسیله دیگری است «که در طنز به کار میرود... و در آن بازی با کلمات و ظرافت لفظی مهم است. مشکل است برای آبرنی معادلی دقیق در فارسی پیدا کرد که شامل تمام معانی آن باشد. این کلمه را فرهنگها به طعنه، استهزا، وارونه گویی ترجمه میکنند... و به طور کلی به استفاده از کلمات با نیتی طنزآمیز گفته میشود که درست عکس آنچه بر زبان آمده برساند... آبرونی به استهزا، تجاهل، گوشه، طعنه و نیش بیش تر میخورد. شاید بهتر باشد که معنی کلی آن را به کنایه طنزآمیز ترجمه کنیم (تاریخ طنز در ادبیات فارسی، جواد: ۳۸).» به گفته یک منتقد آمریکایی آبرنی توهینی است که به صورت تعارف یا خوشامدگویی بیان شده باشد» (همان: ۳۹).

آبرونی انواع مختلفی دارد. از علل بوجود آمدن مجموعه ناهمگنی از نامها برای انواع آبرونی که نه فقط طبقه بندی آبرونی را آسان نکرده؛ بلکه مه اطراف آن را غلیظتر هم کرده اینست، که «آبرونی را بیشتر به لحاظ شکل یا کیفیت آن یا از منظر آبرونیست، قربانی آبرونی، یا ناظر آبرونیک، یا برحسب شیوه، نقش، یا اثرش نگاه کنیم» (آبرونی، موکه: ۲۱). در فرهنگ اصطلاحات ادبی سیما داد و به تبع او فرهنگ واژگان و اصطلاحات طنز از ۷ نوع

آیرونی ذیل سخن گفته شد: بلاغی/ تقدیر/ رمانتیک یا خیالی/ ساختاری یا وضعی/سقراطی/ کلامی یا طعنه/ نمایشی.

با دقت در طرز رفیع می توان شواهدی از دو نوع آیرونی بلاغی و کلامی به دست آورد. اصطلاحات و ویژگیهای نزدیک به این ۲ نوع آیرونی که در بسیاری از مواقع با آنها همپوشانی دارند، عبارتند از: کنایه طنزآمیز و طعنه و استهزا، مجاز به علاقه تضاد و به تعبیری استعاره تهکمیه، تجاهل العارف طنزآمیز و مدح شبیه به ذم و ذم شبیه به مدح، برعکس گویی و به عبارتی نعل وارونه زدن، کنایه گویی و بکار بردن کلمه ها، عبارتها در غیر معنی حقیقی آنها.

۴-۲-۱۵-۱- آیرونی بلاغی: «در این قسم آیرونی نظر و لحن نویسنده یا گوینده دقیقاً عکس آن چیز است که بر زبان می آورد. برای مثال در این مورد میتوان از رساله اخلاق الاشراف عبید زاکانی نام برد که نویسنده با لحنی به ظاهر جدی امر به منکر و نهی از معروف میکند و کاملاً واضحست، که آنچه میگوید خلاف رای و نظر حقیقی اوست... آنچه مسلمست نویسنده بدینوسیله میخواهد عقیده ای کاملاً مغایر با نظر حقیقی خویش را ابراز دارد». (فرهنگ اصطلاحات ادبی، داد:مدخل آیرونی).

در حرف اضافه ۱۱ بار از این نوع آیرونی استفاده شده است.

در اخبار آمده که ظرفیت بهشت زهرا تا پنج سال آینده تمام میشود، پس سازمان ملی جوانان باید طرحهایی برای واگذاری گور به جوانان با اقساط مناسب و بشرط تملیک در آینده در نظر بگیرد! (حرف اضافه، رفیع زاده: ۵۸).

نام وزارتخانه پست تغییر کرد پس بزودی تمام اختلالات تلفنهای همراه برطرف خواهد شد! (همان: ۱۰۲).

در جذب شدن جوانان آمریکایی به مصرف مشروبات الکلی میگوید: خوشبختانه در ایران گرایش جوانان فهیم ما به سمت دوغ آبعلی است که عده ای از نوع با گاز و عده ای بی گاز آن را مصرف میکنند. (همان: ۲۵۶).

علت اصلی بروز چالشها و اختلافات در مسائل کلان شهری، سبقت غیر مجاز سازمانهای دولتی صرفاً برای خدمت بیشتر و زودتر به مردم عزیز کشورمان میباشد! (همان: ۳۵۰)
عیب جرم سیاسی آنست که حدودش مشخص نیست؛ اما جرایم رانندگی از شدت شفافیت زائدالوصف، آموزش هم پیدا است (همان: ۳۹).

به نظر میرسد در خصوص ایدز هم داریم خودکفا میشویم و نیازی به واردات آن نیست! (همان: ۴۵۴)

توالتهای عمومی توی راه به حدی پاکیزگی از در و دیوارش میریزد، که آدم هوس میکند از اتوبوس خود جا بیفتد (همان: ۲۴۱).

۴-۲-۱۵-۲- آبرونی کلامی: به این آبرونی وارونه سازی کلامی، لفظی و وارونه سازی طعنه هم میگویند. البته موکه آبرونی کلامی را اصطلاح دقیقی نمیدانند و بر آن است، که «آبرونیست امکان استفاده از رسانه های دیگر را هم دارد، انسان میتواند کرنش یا لبخند آبرونیک تحویل بدهد، نقاشی آبرونیک بکشد، یا آهنگ آبرونیک بسازد؛ اما از آنجا که هدف «آبرونی رفتاری» - قطع نظر از رسانه اش - انتقال معنایی است، این نوع آبرونی را هنوز میتوان «زبانی» شمرد» (آبرونی، موکه: ۶۷). در این وارونه سازی نویسنده خلاف آن چیزی را میگوید که منظور دارد و خواننده هم به منظور اصلی او آگاه است. (فرهنگ واژگان و اصطلاحات طنز، اصلانی: مدخل وارونه سازی). «این قسم آبرونی بر اساس مغایرت و مخالفت بین آن چه بر زبان جاری میشود با منظور حقیقی استوار است... هنگامی که آبرونی کلامی برای مقاصد استهزائی و هجوآمیز به کار رود تقریباً با تهکم و با استعاره ناساز برابر است» (فرهنگ اصطلاحات ادبی، داد: مدخل آبرونی)؛ مثلاً به کسی که زیاد خوابیده میگویند سحرخیز این در واقع نوعی برعکس گویی است، که مراد از این تعبیر پر خوابی و تنبلی او است، بعبارتی منظور و مدلول، مغایر کلام است. شایان ذکر است که «اگر تضاد ظاهر با واقعیت یک شناسه بنیادین آبرونی باشد، اطلاع از این تضاد یک شرط لازم برای شناسایی آبرونی است» (آبرونی، موکه: ۷۴). به عبارتی جمله زمانی آبرونیک است که خلاف واقع باشد و شخصی آن را آبرونیک تلقی میکند که واقعیت را بداند.

در حرف اضافه ۴ بار از این آبرونی بهره گرفته شد. رفیع زمانی که به ذکر اقدامات ناشایست و ناکارآمدی برخی مقامات میپردازد، مسئولان امر و نهادهای مربوط را با اوصاف و القاب محترمانه توصیف میکند. لازم به ذکر است که ضمن شواهد ذیل می توان آبرونی بلاغی هم یافت.

در مورد اصلاح طرح ممنوعیت ماهواره، پس از کش و قوس فراوان، مجلس محترم به یک نتیجه متقن رسید! (حرف اضافه، رفیع زاده: ۵۱)

خبر گران شدن سیب زمینی در نگاه گردانندگان آن روزنامه عدالت پرور آنقدر مهم و حیاتی بوده که خبر ناقابلی مثل افزایش ۳۰ درصدی مسکن با حروف ریزتر آمده بود. (همان: ۱۳۰).

۴-۲-۱۶- کنایه: رفیع در کتاب حرف اضافه ۸ مرتبه از کنایه های گذشتگان استفاده کرده، گاهی هم کنایه های قدیمی را با اندکی تغییر به خدمت گرفته است:

دیگران فاتحه ات را نخواندند (همان: ۲۲)، رُبّ و رُبّ خود را فراموش کند (همان: ۲۲)، حلوا چو یکبار خورند بس (همان: ۲۶). گاهی رخت دو جاری را هم در سال جاری می توان در یک تشت شست! (همان: ۲۴۵)

۴-۲-۱۷- تعریض: رفیع ۷ بار از این ظرفیت بلاغی در جهت انتقاد از نابسامانیهای جامعه بخوبی استفاده کرده و با بیانی غیرمستقیم و کنایه آمیز مسئولان مربوط را به چالش کشیده و هشدار داده است:

مسئولان محترم بهزیستی، به خاطر نداشتن جای خالی، از پذیرش زنان خیابانی سر باز زدند و به ناچار آنها را به آغوش جامعه بازگرداندند (همان: ۲۹).

۴-۳- طنز موقعیت: معمولاً طنز موقعیت به دلیل حاکمیت منطق دراماتیک و نمایشی در تئاتر، فیلم یا نمایش بروز آشکارتری دارد و جولانگاه آن بیشتر در آثار نمایشی است. در آثار مکتوب نظیر داستان و رمان، خلق موقعیت طنزآمیز بیشتر بر عهده توصیف است. قابل ذکر است، که در طنزهای ژورنالیستی به اندازه دیگر ژانرها ظرفیت طنز موقعیت وجود ندارد؛ اما کتاب حرف اضافه شامل حکایاتی است که با دقت زیاد می توان نشانه هایی از طنز موقعیت را در آن یافت. در این اثر از عناصر چندگانه ای که سبب خلق طنز موقعیت می شود تنها توصیف خنده دار- بابسامد بیشتر- و ناهمخوانی زمانی و مکانی بهره گرفته شد.

۴-۳-۱- توصیف خنده دار: در روایت کابوسنامه، رفیع با توصیف یک فضای خنده دار توانسته موقعیتی طنزآمیز خلق کند:

پدری با پسرش میگوید که آخر عمرش رسیده. حالیه زهوار این تخته بند، عنقریب از چهار جهت در خواهد رفت در رفتنی! (حرف اضافه، رفیع زاده: ۲۱)

در کابوسنامه حکایتی ذکر شد: اگر حواس خواجه به نظارت هر پیرویی غافل نگشتی و پرت نشدی پس همانا شست مبارک در سوراخ خیابان فرو نگشتی! (همان: ۲۳)

-در روایت مبارزه با مفاسد اشتباهی، رفیع با همنشینی موضوع حسی و عقلی و توصیف آن موجب خنده مخاطب میشود: احساس میکردم دارم به تاریخ انقضای جوانیم نزدیک میشوم و عنقریب بوی فسادم عالم و آدم را از جا برمی دارد! رفتم مدرک ۱۶ سال آزرگار دانش خود را از روی کوزه ی آب برداشتم! (همان: ۲۷)

-در آموزش زلزله از راه دور، رفیع با همنشینی واژگان نظامی و عامیانه و توصیف موقعیت خطرناک و توصیه به امر غیر ممکن، ایجاد خنده میکند: ممکن است در هنگام زلزله و حین پریدن از پنجره، یادتان بیفتد که شما ساکن طبقه شانزدهم هستید، اشکالی ندارد، بر اوضاع سوق الجیشی خود و شلوارتان مسلط باشید و بدانید که از هر جای ضرر برگردید به سود شماست (بازگشت همه به سوی اوست)! (همان: ۳۳).

۴-۳-۲- آمیختن دو زمان: رفیع گاهی در کتاب حرف اضافه، با تداخل عناصر و شخصیت‌های کهن در فضا و موضوعات جدید، در پی طعنه و اعتراض به مسئولان است.

یکی از غارشناسان معروف اجنبی در کتاب گرانسنگ غارهای ضد زلزله با یک طبقه حق تراکم، راجع به شعری سخن میگوید (همان: ۳۶).

نتیجه‌گیری:

درونمایه آثار طنزآمیز رضا رفیع، مسائل و گره‌های سیاست خارجی و داخلی، معضلات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و بعضاً دینی را شامل میشود. از جمله دغدغه‌های مورد اشاره رفیع عبارتند از: مشکلات جوانان از جمله ازدواج، شغل، تحصیل و مسکن. رفیع در کتاب حرف/ضافه از اکثر شگردهای زبانی نظیر: تعبیر عامیانه، کلمات محاوره، عبارات غیرفارسی، کاربردهای کهن، ساخت کلمات جدید، بدیهی‌گویی، رک‌گویی، غلط‌املایی، چرخش از جدی به شوخی، دشنام یا شعارزدگی، لهجه معتادان، جمله معترضه و اتباع و از فنون بلاغی در حوزه بدیع از: جناس و سجع، تضمین و تلمیح، ضرب‌المثل، تجاهل‌العارف، حسن‌تعلیل‌خنده‌دار، تضاد، تناقض، اغراق، ایهام، اسلوب‌الحکیم و همچنین از عناصر بیانی، مثل: کنایه، تعریض، تشبیه، استعاره مکنیه غالباً از نوع تشخیص بهره برده است. رفیع از شگردهای دیگر طنز نظیر: آیرونی، نظیره پردازی یا نقیضه‌سازی هم بهره برده است. انس رفیع با شاهکارهای ادبی کهن و معاصر علاوه بر خلق انواع تضمین و تلمیح در آفرینش نظیره‌ها آشکار نیز میشود. شایان ذکر است که در میان عناصر بلاغی، تشبیه کمترین بسامد و تلمیح و تضمین و انواع آیرونی بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده است.

رفیع در خلق طنز موقعیت از رهگذر توصیف‌های خنده‌دار، عناصر متناقضی را کنار هم میگذارد، تا ذهن مخاطب از تصور آن فضا بی‌اختیار بخندد. برای خلق موقعیت این چنینی از ابزارهایی نظیر: توصیف‌خنده‌دار، و جابجایی زمان و مکان استفاده کرده است. رفیع افزون بر آن که از انواع تکنیکهای شناخته‌شده طنز، در آثار طنزپردازان پیش از خود بهره برده، که این امر نشان‌دهنده تسلط وی بر شیوه‌های رایج طنزپردازی است؛ شگرد شعارزدگی را خود ابداع نموده است؛ البته وی بازی کردن با واژه‌ها را بسیار دوست دارد و همین امر سبب کثرت بکارگیری تکنیکهای زبانی در طنز او شده است.

در مجموع میتوان طنز رفیع را در زمره طنز سفید و ملایم قرار داد، با این توضیح که، طنز او اصلاً آزاردهنده نیست، گویی خبرهای نادلیپذیر و ناخوش‌رسانه‌ها دستاویزی برای شوخی و فکاهه‌اند و انتقادی در کار نیست، اما با کمی تأمل در مییابیم، که وی با ظرافت خاصی به همه عناصر متولی امور تاخته و کاستیها را با لحنی شیرین گوشزد کرده است. هرچند رفیع طنزپردازی دلسوز و متعهد است، که نسبت به اوضاع جامعه اش حساسیت و نگرانی دارد؛ اما اهل سازگاری و مداراست. وی شاید به دلیل اصرار بر حضور

همیشه در رسانه، شرنک طنزش را رقیقتر به کام آماج خود روانه میکند، تا جایی که وی را میتوان در شمار فکاهه‌نویسان معترض یا منتقدان شوخ طبع قرار داد.

فهرست منابع

- فرهنگ واژگان و اصطلاحات طنز، اصلانی، محمد رضا (۱۳۸۵)، تهران: کاروان.
- فرهنگ بزرگ سخن، انوری، حسن (۱۳۸۱) تهران: سخن.
- طنز، پلارد، آرتور (۱۳۸۶) ترجمه سعید سعیدپور، تهران: نشر مرکز.
- تاریخ طنز در ادبیات فارسی، جوادی، حسن (۱۳۸۴) تهران: کاروان.
- فرهنگ اصطلاحات ادبی، داد، سیما (۱۳۸۵) تهران: مروارید.
- حرف اضافه، رفیع زاده، سید رضا (۱۳۹۵)، تهران: اطلاعات.
- «زبان معیار چیست و چه ویژگی‌هایی دارد؟»، رضایی، والی (۱۳۸۳) نامه فرهنگستان، سال ۶، شماره ۳، صص ۲۰-۳۵.
- گلستان، سعدی شیرازی (۱۳۹۲)، تصحیح غلامحسین یوسفی، تهران: خوارزمی.
- اسرار و ابزار طنزنویسی، (مجموعه مقالات)، سلیمانی، محسن (۱۳۹۱)، تهران: سوره مهر.
- انواع ادبی، شمیسا، سیروس، (۱۳۷۳)، تهران: فردوس.
- نگاهی تازه به بدیع، شمیسا، سیروس، (۱۳۸۱) تهران: فردوس.
- موسیقی شعر، شفیع کدکنی، محمد رضا (۱۳۸۴)، تهران: نشر آگه.
- در باب طنز، کریچلی، سیمون (۱۳۸۴)، ترجمه سهیل سَمی، تهران: ققنوس.
- آیرونی، موکه، داگلاس کالین (۱۳۸۹)، ترجمه حسن افشار، تهران: مرکز.
- فرهنگ فارسی عامیانه، نجفی، ابوالحسن (۱۳۸۷) تهران: نیلوفر.
- گزیده قابوسنامه عنصرالمعالی، یوسفی، غلامحسین (۱۳۶۲)، تهران: امیرکبیر.